

سفرنامه نویسی

نگاهی به تحولات سفرنامه نویسی در غرب



کارل تامپسون

مترجم: سعیده زادقناد



فرنامه نویسی

نگاهی به تحولات فرنامه نویسی در غرب

کارل تاهپون

ترجمهٔ سعیده زادقناد

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	۱
فصل اول. مقدمه	۹
فصل دوم. تعریف ژانر سفرنامه‌نویسی	۲۱
فصل سوم. سفرنامه‌نویسی در گذر زمان (نگاهی کلی)	۵۹
فصل چهارم. گزارش جهان	۱۰۹
فصل پنجم. آشکارسازی خود	۱۵۷
فصل ششم. بازنمایی دیگری	۲۰۵
فصل هفتم. پرسش‌های جنسیت و گرایش جنسی	۲۶۱
واژه‌نامه	۳۰۷
منابع	۳۱۷
نمایه	۳۴۱

پیشگفتار مترجم

مطالعات سفرنامه‌ای یا سفرنامه‌پژوهی در ایران، غالباً در بن‌بست توصیف باقی مانده است؛ گستره‌ای وسیع از مقالات و کتاب‌هایی که یا نگاه غیرایرانیان به عناصر فرهنگ ایرانی مشتمل بر معماری، پوشش، آداب و رسوم و نظایر آن را مورد مطالعه قرار داده و یا نشان داده‌اند که بیگانگان چه توصیفی از وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران داشته‌اند. البته در این بین، مطالعاتی نیز به چشم می‌خورند که کوشیده‌اند تا نگاه دقیق‌تری به توصیفات مسافران شرقی و غربی از فرهنگ ایرانی داشته باشند و با ورود به فضای تحلیل، تصاویری عمیق‌تر از باورها و نگرش‌ها و عللی که زاویه دید خاصی را برای قضاوت به ناظر بیگانه بخشیده است، واکاوی کنند، اما این دسته از مطالعات هم اغلب فراتر از توصیف دیگری‌سازی و شرایط آن نرفته و اکثراً نیز در حصار چارچوب نظریاتی چون نظریه شرق‌شناسی ادوارد سعید باقی مانده‌اند.

به این ترتیب شاید بتوان مدعی شد که در مطالعات موجود، حلقه‌ای مفقوده قابل شناسایی است که می‌توان از آن با عنوان «سنت سفرنامه‌نویسی» در غرب یاد کرد؛ سنتی که به روند سفرنامه‌نویسی و به عبارتی بهتر شیوه نگارش مورد انتظار از سیاحی که به سرزمینی دیگر قدم می‌گذاشته، شکل داده و با تغییراتش در طول تاریخ، تأثیرات مهمی بر شیوه توصیف پدیده‌های طبیعی و انسانی و به‌ویژه مفهوم بازنمایی از دیگری داشته است. بارزترین نمود این سنت به بهترین شیوه خود را در قلم سفرنامه‌نویسان منعکس می‌کند و در پرتوی تحولات همین سنت است که گاه برخی سفرنامه‌ها، شباهت زیادی به رمان‌های جذاب و پرکشش دارند و برخی دیگر، فهرستی کسالت‌بار از مشاهدات سفرنامه‌نویس‌اند که با ذکر دقیق تاریخ و زمان رخ دادن حوادث همراه شده‌اند، بی‌آنکه پیوند روایی جذابی، وقایع مختلف را به هم متصل کند.

کتاب «سفرنامه‌نویسی: نگاهی به سیر تحولات سفرنامه‌نویسی در غرب» که نتیجه تلاش کارل تامپسون، یکی از محققان مرکز مطالعات سفرنامه‌نویسی در دانشگاه ناتینگهام ترنت است، با ماهیت دیباچه‌ای خود به این مبحث علاوه بر اینکه به تعریف ژانر سفرنامه و تعاریف متناقض و بحث‌های کلیدی آن می‌پردازد، به خوبی سنت سفرنامه‌نویسی را در مسیر تاریخ به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که نگارش همان فهرستی که امروزه برای خوانندگان، جز کسالت هیچ ثمری ندارد، چگونه و در چه بازه‌ای از زمان، مورد انتظار جامعه و نهادهایی بوده که از نگارش سفرنامه حمایت می‌کرده‌اند و اگر نویسنده بر طریق جز این سنت، قدم می‌نهاد، بی‌شک مورد طرد جامعه خویش قرار می‌گرفت. همچنین تامپسون نشان می‌دهد که همین سنت کی و کجا، به سفرنامه‌نویسان اجازه می‌دهد تا ذهنیت و خیالشان بر صفحات کاغذ جولان دهد تا سفرنامه‌هایشان را به مثابه روایتی جذاب

و عامه‌پسند برای مخاطبان زمان خود و آیندگان به یادگار بگذارند. علاوه بر این، تامپسون در این اثر ضمن آنکه تحول سنت سفرنامه‌نویسی در جوامع غربی از قرون وسطی تا به امروز را به بهترین شکل، منعکس می‌کند، از ابعاد خودزیست‌نامه‌ای این ژانر نیز سخن می‌گوید و همچنین نشان می‌دهد که سفرنامه‌نویسان از چه تکنیک‌هایی برای بازنمایی دیگری استفاده کرده‌اند و این تکنیک‌ها در چه ادواری به خدمت منافع استعمار درآمده‌اند.

در بخش ویژه‌ای نیز نویسنده، مفاهیم جنسی و جنسیتی موجود در سفرنامه‌ها را مورد مطالعه قرار داده و به‌خوبی نشان می‌دهد که زنان چگونه از فرای حصار سنت همیشه‌مردانه سفرنامه‌نویسی، تلاش کرده‌اند تا پیام‌هایشان را به مخاطبان خود انتقال دهند و در تولید دانش و شناخت سرزمین‌های دیگر و به‌ویژه راهیابی به حریم زنانه‌ای که مردان را راهی بدان نبوده است، موفق عمل نمایند.

بدون شک، مطالعه این کتاب برای پژوهشگران داخلی از دو جنبه می‌تواند حائز اهمیت باشد؛ نخست آنکه سنت مغفولی را وارد حوزه توجه آنان می‌کند که فقدان عنایت به آن می‌تواند انحرافات زیادی را در نتایج ایجاد نماید و دوم آنکه، قادر است، پژوهشی الهام‌بخش برای محققانی باشد که مایل باشند با الگوبرداری از کار تامپسون، سنت سفرنامه‌نویسی در شرق و به‌ویژه ایران را دنبال کنند، به‌خصوص در بحث زنان که جذابیت مطالعات تطبیقی را چندین برابر می‌کند.

در پایان لازم می‌دانم از استادم، محمدرضا جوادی یگانه تشکر کنم؛ همراه و مشاوری که بیش از یک دهه، مشوقم برای حضور در دنیای شیرین سفرنامه‌هاست و همچنین محسن جعفری مذهب که گفت‌وگوی با او همواره الهام‌بخش نگاهی تازه به این دنیای پر از راز و رمز بود و در هنگام چاپ این اثر به سفری ابدی رهسپار شد، یادش

گرامی و روانش شاد. همچنین سپاسگزارم از پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات که با تأسیس گروه «خلقیات و منش ایرانیان» و به‌ویژه نگاه خاص تاریخی به پدیده‌های خلق‌وخویی جامعه ایران، راه مطالعات بنیادین در این حوزه و به تبع آن، انتشار این اثر را فراهم آورده است. ترجمه این کتاب را عاشقانه به مادرم تقدیم می‌کنم.

سعیده زادقناد

مهرماه ۱۳۹۵

فصل اول. مقدمه

در حال حاضر سفرنامه‌نویسی^۱ یک ژانر ادبی بسیار محبوب و در حال شکوفایی است. هر ساله موج جدیدی از سفرنامه‌ها^۲ در رسانه‌های چاپی به راه می‌افتد، درحالی‌که آثار سفرنامه‌نویسانی چون مایکل پالین^۳، بیل برایسون^۴ و پاول ثروکس^۵ مرتباً هم در اروپا و هم آمریکا، در فهرست پرفروش‌ترین‌ها قرار می‌گیرند. همچنین میل خوانندگان به این سبک، ناشران را برای چاپ مجدد بسیاری از کتاب‌های سفر قدیمی نایاب در مجموعه‌هایی چون *سفرهای کهن*^۶ راندوم هاوس^۷ و

1. Travel writing

2. travelogues

۳. Michael Palin: بازیگر، کمدین، نویسنده و مجری تلویزیون بریتانیایی

۴. Bill Bryson: سفرنامه‌نویس و نویسنده کتاب‌های پرفروش آمریکایی

۵. Paul Theroux: سفرنامه‌نویس و رمان‌نویس آمریکایی

6. Vintage Departures

۷. Random House: بزرگترین گروه انتشاراتی جهان که در سال ۱۹۲۷ توسط بنت کرف و دانلد کلاپرت تأسیس شد.

سفرنامه‌های کلاسیک^۱ پیکادور^۲ تشویق می‌کند. در نتیجه، مسافران صندلی‌نشین امروز می‌توانند میل خود را به مطالب عجیب و غریب یا ماجراجویانه یا به تعبیری ساده، اخبار در عرصه جهانی را، با طیف وسیعی از سفرنامه‌های معاصر و تاریخی ارضا کنند. این کتاب‌ها سفرهایی را بازگو می‌کنند که تقریباً با هر هدف قابل تصور و به هر مقصدی در جهان صورت گرفته‌اند. حوزه نویسندگان آنها از زائران، کشورگشایان، و سیاحان گرفته تا کوله‌برپشت‌ها، افراد کمتر مشهور و کم‌دین‌هایی هستند که سیاحتی بی‌پروا را [حتی] با برخی روش‌های نامناسب حمل و نقل پذیرفته‌اند؛ از نویسنده‌های «مهم» که می‌خواهند سهمی قابل توجه در هنر و دانش داشته باشند گرفته تا نویسندگان عامی و غیرحرفه‌ای، که با خوشحالی، سطحی‌ترین تخیلات را با ذهن خویش به وجود آورده‌اند. اگرچه اصطلاح «سفرنامه‌نویسی» دربرگیرنده انواعی متنوع از سبک‌ها، شیوه‌ها و شرح سفرهاست، آنچه جای تردید ندارد، محبوبیت کلی این ژانر است: دهه‌های اخیر بدون شک شاهد «رونق» سفرنامه‌ای بوده‌اند؛ رونقی که هیچ نشانی از تنزلش در آینده نزدیک دیده نمی‌شود.

در دهه‌های اخیر، سفرنامه‌نویسی علاوه بر برخورداری از موفقیت تجاری، رشد جایگاه ادبی خود را نیز شاهد بوده است. حداقل در بخش اعظم قرن بیستم، این ژانر توسط منتقدان ادبی و مفسران فرهنگی، به‌عنوان سبکی کم‌اهمیت و تا حدی میانمایه، به حاشیه رانده شده، اما اعتبار سفرنامه‌نویسی به‌سرعت در نیمه دوم قرن بیستم و با ظهور نسلی از سفرنامه‌نویسان تحسین‌شده چون پاول ثروکس^۳، بروس چاتوین^۴،

1. Travel Classics

۲. Picador: نشان تجاری انتشارات مک‌میلن که ناشری بین‌المللی است و دفاتری در ۴۱ کشور دارد.

۳. Paul Theroux: سفرنامه‌نویس و رمان‌نویس آمریکایی

۴. Bruce Chatwin: سفرنامه‌نویس، رمان‌نویس و روزنامه‌نگار انگلیسی

ریشارد کاپوشینسکی^۱ و رابین دیدیوسون^۲، افزایش یافته است. پیشگام مسیر این بذل توجه نیز مجله ادبی معتبر بریتانیایی *گرانتا*^۳ بود که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی چندین شماره ویژه با موضوع سفر منتشر کرد و به این ترتیب «نقشی حیاتی در استقرار... سفرنامه‌نویسی به عنوان یک سبک ادبی محبوب ایفا کرد» (جک، ۱۹۹۸: viii). ضمناً پشتیبانی گرانتا از این سبک، این پنداشت را ایجاد کرد که سفرنامه‌نویسی، ژانری است که به طور خاص بازتابی از شرایط مدرن بوده و به آن پاسخ می‌دهد. هرچه باشد، در دورانی زندگی می‌کنیم که جهانی شدن در حال گسترش است و تحرک، سفر و تماس بین فرهنگی، حقایق زندگی و واقعیات روزمره بسیاری از مردم است. برای مثال، امروزه گردشگری یکی از بزرگترین صنایع جهان به شمار می‌آید. علاوه بر این، در هر لحظه از زمان، بخش قابل توجهی از جمعیت جهان، نه از روی انتخاب یا تفریح، بلکه از سر ضرورت، در حال جابه‌جایی‌اند؛ کسانی که به خاطر مشقت‌های اقتصادی، فجایع زیست‌محیطی و جنگ، آواره شده‌اند. در چنین اوضاع و احوالی، سفرنامه‌نویسی به عنوان ژانری که ربط و اعتبار تازه‌ای یافته است، می‌تواند بینش‌های مهمی را در رویارویی‌ها و مبادلات اغلب بغرنج کنونی میان فرهنگ‌ها، زندگی‌های مرسوم، و ذهنیت‌های در حال شکل‌گیری در دنیایی که در حال جهانی شدن است فراهم آورد.

در این دوران، علاقهٔ آکادمیک به سفرنامه‌نویسی هم رشدی چشمگیر داشته است. پژوهشگران و دانشجویانی که در حوزه‌های مختلف کار می‌کنند، دریافته‌اند که این ژانر با طیفی وسیع از مباحث فرهنگی، سیاسی و تاریخی مرتبط است. این پیشرفتی است که به ویژه با

۱. Ryszard Kapuscinski: خبرنگار، نویسنده، شاعر و عکاس لهستانی

۲. Robyn Davidson: نویسندهٔ استرالیایی که عمده شهرت خود را مدیون کتاب «مسیرها» ست که شرح سفر ۱۷۰۰ مایلی او در بیابان‌های استرالیاست.

3. Granta

گسترش آنچه امروزه در بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی «پسااستعماری‌شناسی»^۱ یا «مطالعات پسااستعماری»^۲ خوانده می‌شود در ارتباط است. به بیان کلی، هدف مطالعات پسااستعماری، درک و مقابله با پیامدهای زیانبار امپراتوری‌های وسیع اروپایی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است؛ امپراتوری اروپایی و سرمایه‌داری جهانی‌ای که این طرح مروج آن بود، شالوده‌های دنیای مدرن و جهانی‌شده امروز ما را بنا نهاده است؛ چیزی که سبب تماس‌های میان‌فرهنگی و نقل مکان افراد و مردم، در مقیاسی کلان شده است. همچنین، در استقرار نابرابری‌های عظیمی که در حال حاضر بین مناطق مختلف جهان و به‌ویژه میان «غرب» توسعه‌یافته و «باقی جهان» کمتر توسعه‌یافته، از لحاظ ثروت، سلامت و پیشرفت‌های فناوری وجود دارد نیز موثر بوده است. به این ترتیب، پژوهشگران پسااستعماری به دنبال فهم فرآیندهایی هستند که این نابرابری‌ها را نخست ایجاد کرده‌اند و اکنون ادامه می‌دهند. علاوه بر این، آنها عموماً درگیر مسائل مرتبط با چگونگی توجه و تجسم فرهنگ‌ها از یکدیگر و همچنین نحوه تعامل آنها هستند. اینها پژوهش‌هایی هستند که سفرنامه‌نویسی برای‌شان منبعی بی‌اندازه مفید محسوب می‌شود. از قرن پانزدهم تا بیستم، این ژانر نقشی جدایی‌ناپذیر در گسترش امپراتوری اروپا داشته و در نتیجه، سفرنامه‌نویسی مربوط به این دوره نیز تا حد زیادی بیانگر فعالیت‌های مسافران اروپایی در خارج از اروپا و رفتارها و ایدئولوژی‌هایی است که توسعه‌طلبی اروپایی را پیش‌رانده‌اند. به همین ترتیب، سفرنامه‌نویسی مدرن می‌تواند بیش‌های قابل توجهی را در مورد ایدئولوژی‌ها و اقداماتی که نظم فعلی جهانی را پایدار ساخته‌اند، ارزانی دارد.

اما این تنها ظهور مطالعات پسااستعماری نبود که سبب شکوفایی

1. postcolonialism

2. postcolonial studies

اخیر تمایل آکادمیک نسبت به سفرنامه‌نویسی شده است. در پی «موج دوم» فمینیسیم در دهه ۷۰ میلادی، بسیاری از تاریخ‌دانان و منتقدان ادبی، سهم زنان را در ژانری که ظاهراً تا حد زیادی در سیطره مردان است - اگرچه زنان در واقع سفرنامه‌نویسان پرکاری هستند - به‌خصوص در قرون نوزدهم و بیستم بررسی کرده‌اند. این ژانر همچنین در مطالعات ادبی و در مباحث مرتبط با ادبیات مذهبی و رابطه میان صورزیبایی‌شناسی و کاربردی‌نثر، چه «ادبی» و چه «غیرادبی»، برجسته شده است. درعین‌حال، توجهی که اخیراً رشته‌های علوم اجتماعی، مانند جغرافیا، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، نسبت به سفرنامه‌نویسی پیدا کرده‌اند تا حدی نتیجه بحث‌های نظری و روش‌شناسانه در مورد مناسب‌ترین صورت آگاهی و تحقیق برای هر رشته است. هر سه رشته تا حدی خارج از حیطه سفرنامه‌نویسی تکامل یافته و شامل پرسش‌هایی هستند که اصولاً با ژانری که در ادبیات انگلیسی با عنوان «سیر و سفر»^۱ شناخته می‌شد، مرتبط بوده و با آن تعریف می‌شدند. البته، این رشته‌ها که در قرن نوزدهم در دانشگاه نهادینه شده‌اند، در پی آن بودند تا با تقید به روش‌ها و اسلوب‌های گفتمان علمی، خود را از صورت‌های بیشتر روایی و ذهنی سفرنامه‌نویسی متمایز کنند، اما با چرخش به اصطلاح «فرهنگی» یا «ادبی» دهه ۷۰ میلادی، گویا عینیت متون جغرافیایی و مردم‌نگارانه زیر سؤال رفته است (رجوع کنید به راپورت و آورینگ، ۲۰۰۲: ۲۳۶-۲۴۵) و این چرخش به نوبه خود موجب ارزیابی مجدد نقش سفرنامه‌نویسی به‌عنوان حامل انتقال دانش جغرافیا، مردم‌نگاری و جامعه‌شناسی شده است.

اینها تنها بخشی از بحث‌هایی گسترده‌تر و زمینه‌هایی پژوهشی هستند که باعث جلب توجه پژوهشگران به ژانر سفرنامه‌نویسی شده‌اند. با این حال، اگرچه اکنون به نظر می‌رسد که سفرنامه‌نویسی به

همان اندازه که در میان خوانندگان عادی محبوبیت دارد میان خوانندگان آکادمیک هم محبوب است، باید توجه داشت که این دو دسته از مخاطبان، کاملاً با یکدیگر یکسان نیستند و نگرشی مشابه نسبت به این ژانر ندارند. ممکن است موفقیت تجاری فعلی ژانر به معنای آن باشد که عموم خوانندگان به سادگی از سفرنامه‌نویسی لذت می‌برند، اما بیشتر بحث‌های پژوهشی پیرامون سفرنامه‌نویسی، بیش از آنکه در مقام تجلیل برآیند، با روحیه‌ای نقادانه بیان می‌شوند و آن را نکوهش می‌کنند. به عنوان مثال، قضاوت دبی لیزل^۱، متخصص روابط بین‌الملل را در پژوهشی که درباره سفرنامه‌نویسی معاصر انگلیسی و آمریکایی انجام داده است در نظر بگیرد. او با ابراز تأسف می‌نویسد «به‌طور کلی یک جای کار سفرنامه‌نویسی می‌لنگد» (xi, ۲۰۰۶)، تأکید در متن اصلی) و سپس می‌پرسد «چرا در این عصر به اصطلاح «روشنگری» ما، هنوز سفرنامه‌ها نوشته می‌شوند؟ و چرا سفرنامه‌ها کماکان محبوب هستند؟» (۲). لیزل این ژانر را به آن دلیل محکوم می‌کند که «دیدگاه بسیار محافظه کارانه سیاسی‌ای» را تشویق می‌کند که چشم‌اندازش را به سیاست جهانی گسترش می‌دهد» (xi). سایر صاحب‌نظران نیز با ارزیابی او از جانبداری ذاتی این فرم موافق‌اند. به همین دلیل است که پاتریک هولاند^۲ و گراهام هوگان^۳ در تحقیقی، که شاید بهترین پژوهش اخیر در زمینه سفرنامه‌نویسی معاصر باشد، می‌گویند که این ژانر اغلب «پناهگاهی برای ارزش‌های خودپسندانه و حتی پس‌رفت نوستالژیک

۱. Debbie Lisle: دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده مطالعات سیاسی و بین‌المللی و فلسفه دانشگاه کوپن‌بله‌گست ایرلند

۲. Patrick Holland: رمان‌نویس و نویسنده داستان‌های کوتاه استرالیایی

۳. Graham Huggan: رئیس دانشکده ادبیات پسااستعماری و کشورهای مشترک المنافع دانشگاه لیدز که ریاست مؤسسه بین‌رشته‌ای مطالعات استعماری و پسااستعماری را نیز بر عهده دارد. او آثار متعددی در زمینه کلی مطالعات مقایسه‌ای پسااستعماری به رشته تحریر درآورده است.

طبقه متوسط است» (۱۹۹۸: viii). در این میان رابین دیویدسون^۱ بر این باور است که موج اخیر علاقه مردمی به این ژانر مرهون دلتنگی (نوستالژی) برای دوره‌ای است که در آن:

وطن و خارج از وطن، غرب و شرق، مرکز و پیرامون، بدون هیچ مشکلی تعریف می‌شدند. شاید [سفرنوشته‌ها] به دلایل فریبنده بی‌شماری محبوب باشند. آنها این توهم را می‌آفرینند که هنوز ناکجاآباد بکری برای کشف کردن وجود دارد (۲۰۰۲: ۶).

این صاحب‌نظران، دیدگاه گرانتا را مبنی بر اینکه سفرنامه‌نویسی معاصر بینشی عمیق نسبت به دنیای مدرن و جهانی‌شده به دست می‌دهد، به چالش می‌کشند و در عوض آن را نه شکلی برای انعکاس یا جستجوی واقعیت معاصر، که راهی برای فرار از آن می‌دانند. در عصری که بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، دیگر مانند گذشته همگن نیستند و در زمانی که بسیاری از افراد دارای هویتی به اصطلاح «خط‌تیره‌دار» (مثلاً بریتانیایی- آسیایی یا آفریقایی- آمریکایی) هستند، به نظر می‌رسد که تمایز میان «ما» و «آنها»، «وطن» و «خارج از وطن» دیگر مانند گذشته واضح و روشن نیست. ادعا می‌شود که سفرنامه‌نویسی، پاسخگوی چنین شرایطی است، چرا که موجب برقراری مجدد حس پایدار تفاوت‌های موجود میان فرهنگ‌ها، مناطق و قومیت‌ها شده و با کلیشه‌هایی اغلب خطرناک، سر و کار دارد. بنا بر این نظر، سفرنامه‌نویسی معمولاً پیامی تسلی‌بخش و خودستایانه برای غربی‌های طبقه ممتاز و متوسط دارد که خوانندگان اصلی این ژانر هستند.

این اثر نشان خواهد داد که موج اخیر علاقه آکادمیک به سفرنامه‌نویسی نباید لزوماً به عنوان تأیید مستقیم یا تجلیل از این شکل

۱. Robyn Davidson: نویسنده استرالیایی

[ادبی] در نظر گرفته شود. اگرچه بی‌شک سفرنامه‌نویسی در حوزه مباحث جاری پژوهشی، منبعی مفید قلمداد می‌شود، اما بسیاری از پژوهشگران، «بر خلاف میلشان» سفرنامه‌های افراد را می‌خوانند تا دلالت‌های ایدئولوژیک و پیامدهای ژئوپولیتیک بزرگتر آنها را کشف و نقد کنند. این مسئله نه تنها در مورد سفرنامه‌نویسی معاصر که در مورد سفرنامه‌نویسی تاریخی هم صدق می‌کند. در مورد سفرنامه‌های تاریخی، پژوهشگران عموماً به دنبال ردیابی همدستی این ژانر با جنایات و بی‌عدالتی‌هایی هستند که از سوی استعمار اروپایی تحمیل شده‌اند، برای مثال آنها در پی سهم این ژانر در اعتقادات و ایدئولوژی‌های نژادپرستانه رایج در اوج دوره استعمار، و نقشش در ترویج برتری‌جویی فرهنگی و نژادی‌اند. به این ترتیب، با کنار هم گذاشتن انتقاداتی که از سفرنامه‌نویسی گذشته و حال وجود دارد، به نظر می‌رسد که حکم آکادمیک فعلی نسبت به این ژانر نسبتاً قطعی است. قضاوت بسیاری از آثار پژوهشی اخیر به سادگی این است که سفرنامه‌نویسی یک شکل ادبی تاحدودی ناخوشایند و از لحاظ اخلاقی سؤال‌برانگیز است و حتی اگر هم ذاتاً چنین نباشد، با در نظر گرفتن نحوه استفاده نویسندگان از این ژانر در طول تاریخ، این ظاهراً قضاوتی مناسب است.

البته سفرنامه‌نویسی، مدافعان آکادمیک هم دارد. به عنوان مثال، مارک کوکر^۱ معتقد است «سفر، یکی از بزرگترین درها به سوی آزادی انسانی است و سفرنامه، واسطه‌ای است که انسان این آزادی را از طریق آن ارج می‌نهد» (۱۹۹۲: ۲۶۰). این جمله شاید اندکی مبهم و پرطمطراق باشد، اما مسلماً سؤالات بسیاری را به وجود می‌آورد. سؤالاتی در مورد اینکه چه کسی در طول تاریخ توانسته است از این آزادی استفاده کند و بسط چنین آزادی‌ای تا چه اندازه برای آزادی دیگران

هزینه‌بردار است. در این میان جیم فیلیپ^۱ درمورد سفرنامه‌نویسان مرتبط با گران‌تا مطرح می‌کند که بهترین سفرنامه‌های اخیر به پرورش چشم‌اندازی بین‌المللی، و به‌طور ضمنی، نگرشی جهان‌وطن که مشوق تحمل، درک و حسی از جامعه جهانی‌اند کمک می‌کنند. به گفته فیلیپ «می‌توان ... این متون را، حتی به‌طور تجربی، دریچه‌ای به سوی ظهور نوع جدیدی از جامعه بین‌الملل دانست ... چراکه قادرند هم آن دسته از نیروهای قدرتمندی را که پیش از این در صحنه جهانی حضور داشته‌اند درک کنند و هم در برابر آن‌ها مقاومت نمایند» (وایت، ۱۹۹۳: ۲۵۱، تأکید در متن اصلی). هولاند و هوگان هم به‌نوبه خود، در انتقادات اغلب قاطعی که نسبت به سفرنامه‌نویسی معاصر داشته‌اند، با اذعان به «ظرفیت‌های آشنایی‌زدایی»^۲ این سبک، اندکی نرمش به خرج داده‌اند (۱۹۹۸: viii). آنها اشاره می‌کنند که سفرنامه‌ها ممکن است «حامل مفیدی برای خود ادراکی فرهنگی» باشند و بنابراین به «خوانندگان، حدود جاه‌طلبی‌هایشان» را نشان می‌دهند و «مسئولیت‌هایشان را به آنها یادآوری می‌کنند» (xiii). به‌همین ترتیب، در مورد سفرنامه‌های دوره‌های قبل نیز برخی از پژوهشگران اشاره می‌کنند که سفرنامه‌ها ممکن است در میزان همدستی با استعمار اروپا متفاوت باشند و عواقب آنها همیشه به‌طور کامل محنت‌بار و استثمار نبوده باشد. چنانچه دنیس پورتر^۳، نوشته است، سفرنامه‌نویسی اروپایی در بدترین حالت، اغلب «وسیله‌ای برای بیان خودبرتربینی اروپامحور یا عدم تحملی نژادپرستانه» بوده، اما این ژانر در بهترین حالت خود، تلاش‌های ارزشمندی هم در جهت «غلبه بر فاصله فرهنگی از طریق فعالیتی دنباله‌دار برای ایجاد تفاهم» داشته است (۱۹۹۱: ۳).

این نوشتار نشان خواهد داد که رشد اخیر علاقه آکادمیک به

1. Jim Philip

2. Defamiliarizing Capacities

3. Dennis Porter

سفرنامه‌نویسی، با مجادلات و بحث‌های قابل توجهی دربارهٔ محاسن و اخلاقیات در این ژانر همراه بوده است. شایان تأکید است که هدف کتاب حاضر، داوری دربارهٔ بحث‌های مرتبط با دلالت‌های اخلاقی سفرنامه‌نویسی نیست؛ بلکه قصد دارد تا خوانندگان را به گونه‌ای مجهز کند که بتوانند نظر خود را درخصوص چندین بحث کلیدی که اکنون دربارهٔ این ژانر در جریان است، شکل دهند. برای این منظور، این کتاب براساس برخی مسائل یا محورهای اصلی آثار پژوهشی اخیر مرتبط با سفرنامه‌نویسی سامان یافته است. فصل دو به بحث دربارهٔ مسئلهٔ بنیادی و البته پیچیدهٔ چگونگی تعریف سفرنامه‌نویسی پرداخته است و انواع گونه‌های مختلف این ژانر را مشخص می‌کند. فصل سه، مروری خلاصه از تکامل سفرنامه‌نویسی، یا حداقل سفرنامه‌نویسی غرب را از دوران باستان تا به امروز ارائه می‌کند. فصل چهار، به مسئله اعتبار و قابلیت اطمینان به سفرنامه‌نویسی پرداخته و راهبردهای مختلفی را که نویسندگان در طول تاریخ در تلاش برای بیان و خوانندگان برای ارزیابی صداقت روایت‌های سفر در پیش گرفته‌اند بررسی خواهد کرد. فصل پنج به مطالعهٔ جنبه‌های خودزیست‌نامه‌ای سفرنامه‌نویسی اشاره کرده و نشان می‌دهد که سفرنامه‌ها با چه روش‌های متنوعی ممکن است به‌جای سیاحت در پهنه جهان، به سیری در شخصیت و ذهنیت خود مسافر تبدیل شوند. سپس، فصل ۶ به آنچه شاید بحث‌برانگیزترین موضوع رایج در مورد سفرنامه‌نویسی باشد، خواهد پرداخت: دلالت‌های اخلاقی و سیاسی اهداف بنیادی سفرنامه‌نویسی در ارائه تصاویر و بازنمایی مردم و فرهنگ‌های دیگر؛ و سرانجام فصل هفت به این موضوع می‌پردازد که چگونه جنس و جنسیت، اثری نامطلوب بر سفر و سفرنامه‌نویسی داشته است. این فصل در ابتدا نشان خواهد داد که سفرنامه‌نویسی به‌طور گسترده رسانه‌ای مردانه، برای خودبیانگری^۱

و خودسازی^۱ است و در عین حال از زنان بسیاری سخن خواهد گفت که با وجود این، از این ژانر برای اهداف خود بهره برده و در این راه فشارهایی را متحمل شده‌اند.

این کتاب در اصل بر سفرنامه‌هایی تمرکز دارد که جایی که می‌توان آن را با مسامحه «غرب» خواند، تهیه شده‌اند: یعنی اروپا، آمریکای شمالی و سنت‌های فرهنگی‌ای که ریشه در یونان باستان دارند و اروپایی‌ها و آمریکایی‌های مدرن، به درست یا به غلط، آنها را از آن خود می‌دانند. علاوه بر این، تمرکز این نوشتار بر گزارش‌های سفر تهیه‌شده به زبان انگلیسی توسط مسافران بریتانیایی و آمریکایی و محتوای آمریکایی و بریتانیایی این گزارش‌ها نیز هست. البته سفرنامه‌نویسی توسط فرهنگ‌های غیر غربی آغاز شده است (از جمله رجوع کنید به پلوت‌شاو، ۲۰۰۶؛ اوبن، ۲۰۰۸) و در سنت غربی سفرنامه‌های زیادی بوده‌اند که توسط مسافرانی با اصالت فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی و سایر ملیت‌ها نوشته شده‌اند (رجوع کنید به پولسی، ۲۰۰۱؛ فورسیدیک، ۲۰۰۵؛ مارتین، ۲۰۰۸). همان‌طور که لوردانا پولسی^۲ اشاره می‌کند، در پژوهش‌های بریتانیایی و آمریکایی در مورد سفرنامه‌نویسی، به دلیل تمایل برای «به‌حاشیه راندن متون نوشته شده به زبان‌های غیرانگلیسی برای خوانندگان غیرانگلیسی زبان»، به ادبیات سفرنامه‌ای غیرانگلیسی توجه نسبتاً اندکی شده است (۲۰۰۱: ۱). کتاب حاضر نیز این رسم را ادامه داده است، اگرچه حداقل با مثال‌های مهمی از سفرنامه‌های تهیه شده در فرهنگ‌های غیرانگلیسی، به آگاه کردن خوانندگان از وجود آنها همت می‌گمارد. با این همه، زمینه‌ها و مسائل شرح داده شده در فصل‌های بعدی، بدون شک به تمام اشکال متون [مرتبط با] سفر، در

1. self-fashioning

۲. Loredana Polezzi: استادیار ادبیات ایتالیایی دانشگاه وارویک که در زمینه‌هایی چون مطالعات تفسیری، ادبیات تطبیقی و تاریخچه سفر و مهاجرت، پژوهش می‌کند.

همه فرهنگ‌ها و تمامی ادوار، مربوط می‌شوند. بنابراین، کتاب حاضر خواننده را به چارچوبی مفهومی و لغتنامه‌ای ضروری مجهز می‌کند که مستقل از شکل یا سنت سفرنامه‌نویسی مورد علاقه خود یا دیدگاهی تخصصی که در مورد ژانر در پیش گرفته است، برایش مفید خواهد بود.